عکس: مهر

شروع زندگی مشترک با پیام نجات میراث فرهنگی

زوج میانه ای مراسم عقد خود را در کنار «۲۳ پل» برگزار کردند

یوسف حیدری

آن روز صدای شادی خانواده‌های عروس و داماد با آب زلال رودخانه «شهرچای» گره‌خورد. همه داشتند برای این زوج جوان دعا می‌کردند. زوجی که با هدف حمایت از میراث فرهنگی شهر و جلب توجه همشهریان‌شان به حفظ پل قدیمی شهر میانه، آغاز زندگی مشترک و مراسم عقدشان را زیر آسمان خدا و در چندمتری این پل جشن گرفتند.

سالها فعالیت در حرفه عکاسی به او آموخته است تا نگاهش متفاوت از نگاه دیگران باشد و همین تفاوت در نگاه بود که موجب شد میراث ارزشمند فرهنگی را بهتر ببیند و به ثبت‌شان بپردازد. وقتی دید ثبت این تصاویر واکنش چندانی از سوی مسئولان برنینگیخت، تصمیم گرفت تا نگاه بی‌تفاوت مردم و مسئولان به خطر نابودی میراث فرهنگی را با روش دیگری جلب کند. زوج جوان تصمیم گرفتند جشن ازدواج خود را با امید به فرداهایی روشن و برای حفظ و پاسداری از آثار باستانی شهرمیانه در کنار«۲۳ پل» و «شهرچایی»(رود شهر) آغاز کنند.

■ **شهری به وسعت تاریخ**

سالار پویان عکاس ۲۹ ساله میانه‌ای این روزها برای زنده نگه داشتن میراث فرهنگی شهرستان میانه تلاش می‌کند. تصاویر مراسم ازدواج او در کنار پل تاریخی ۲۳ پل بازتاب بسیاری در فضای مجازی و کانال‌های خبری داشت. او که پیش از این نیز چند بار به تخریب این پل اعتراض کرده بود، این بار برای اینکه نگاه مردم و مسئولان را به لزوم نجات این اثر تاریخی جلب کند، مراسم عقد خود را کنار این پل و در حاشیه رودخانه شهرچای[شهر چایی] آغاز کرد. او از این تصمیم جالب و همراهی خانواده و نگاه مردم این گونه می‌گوید: سال‌هاست که برای یکی از خبرگزاری‌ها عکاسی می‌کنم. از کودکی علاقه داشتم تا از زیبایی‌های طبیعت و چیزهایی که در اطراف برایم جذابیت دارد عکاسی کنم. با گذشت زمان متوجه شدم از دریچه دوربین می‌توان به چیزهایی دقت کرد و آنها را دید که مردم عادی به آن توجهی ندارند. میراث فرهنگی یکی از علاقه‌مندی‌های عمده من است. وقتی در این سال‌ها از دریچه دوربین به این آثار دقت کردم، متوجه شدم میراث گذشتگان ما بشدت دستخوش نامهربانی شده است و سیلی بی‌توجهی‌ها هر روز تن خسته این آثار را بیشتر خراش می‌دهد.

وی ادامه داد: شاید کمتر کسی بداند شهرستان میانه یکی از کهن‌ترین شهرهای استان آذربایجان شرقی است که ۵۰۰ اثر باستانی در آن به ثبت رسیده است. نخستین اثر باستانی آذربایجان در میانه به ثبت رسیده و ۸ بنای تاریخی در این شهرستان وجود دارد که بسیاری از آنها درحال تخریب هستند. یکی از آنها هم «قلعه دختر» است که به دلیل بارش برف سنگین در اصلی آن تخریب شده است. ۲۳ پل یکی دیگر از آثار تاریخی و میراث فرهنگی میانه است که قدمت آن به دوران صفوی بازمی گردد. بسیاری این پل را برادر ناتنی ۳۳ پل اصفهان می‌دانند و سبک معماری آن نیز بسیار شبیه همین پل است. ۱۵ سال قبل یکی از دهنه‌های این پل کامل تخریب شد و بقیه دهنه‌های پل نیز سست شده و در حال فرو ریختن هستند.

این فعال میراث فرهنگی که دو سال قبل نیز معترض تخریب میراث تاریخی و فرهنگی این شهر شده بود، از تصمیم‌اش در برگزاری مراسم عقد در کنار این پل گفت و ادامه داد: همسرم دانشجوی کارشناسی ارشد معماری است و حفظ میراث فرهنگی دغدغه هردوما است. دوست داشتم این بار اعتراض را به شکل دیگری نشان بدهم. می‌خواستم مراسم عقدمان کنار این پل و در حاشیه رودخانه شهرچای باشد تا همه متوجه تخریب این پل تاریخی شوند. موضوع را با همسرم در میان گذاشتم و او نیز استقبال کرد. خانواده من و همسرم نیز وقتی از موضوع باخبر شدند با خواسته ما موافقت کردند و به این ترتیب روز ۷ فروردین ماه زندگی مشترک‌مان را در کنار ۲۳ پل و هلهله و شادی دوستان و بستگان آغاز کردیم. صحنه فراموش نشدنی بود. وقتی سوار بر خودرو به کنار پل آمدیم دوستان و بستگان همه چیز را آماده کرده بودند و بسیاری از مردم و گردشگران با خوشحالی برای ما آرزوی خوشبختی می‌کردند. آنها با تعجب از این حرکت ما سؤال می‌کردند و دوستان و همکارانم با تشریح علت این حرکت از هم می‌خواستند تا برای نجات این بنای تاریخی دست به دست یکدیگر بدهیم. من و همسرم با مهریه یک سکه طلا و یک جلد کلام‌الله مجید و ۱۳۷۴ شاخه گل رز زندگی‌مان را آغاز کردیم و خوشحالم که در ادامه راه برای حمایت از میراث فرهنگی شهرم همسرم کنارم قرار دارد. البته این حرکت ما با واکنش مسئولان همراه شد و بازتاب زیادی نیز داشت. معاون استاندار روز ۸ فروردین اعلام کرد که مرمت و مدیریت این پل تاریخی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. امیدواریم این حرکت ما تأثیر مثبتی به همراه داشته باشد.

عکس: تاجا

از راست : ستوان‌دوم حسین راستگو – صالح ملائانی(صاحب کیف)– سرهنگ عرب زاده (فرمانده انتظامی بوشهر)

چک پشت نویسی شده در وجه حامل به صاحب آن بازگردانده شد

درس امانتداری پلیس بوشهری

سحر اسدی

مأمور پلیس وظیفه شناس که کیف ۱۹ میلیارد ریالی را پیدا کرده بود، با تلاش زیاد آن را به صاحبش بازگرداند تا در آزمون امانتداری سربلند باشد. این مأمور بوشهری هنگام گشت زدن در پارک ساحلی متوجه کیف دستی شد که در آن مدارک و همچنین چکی به مبلغ ۱۹ میلیارد ریال قرار داشت.

ستوان دوم حسین راستگو در گفت‌وگو با خبرنگار گروه زندگی با مرور زندگی خود، گفت: از کودکی علاقه زیادی داشتم که پلیس بشوم و ۱۹ سال قبل بعداز پایان تحصیلات وارد نیروی انتظامی شدم. همیشه در لباس پلیس خودم را برابر همه مردم مسئول می‌دانستم و همه سعی و تلاش من این بود که بتوانم وظیفه‌ام را بخوبی انجام بدهم. سالهاست که در فرماندهی انتظامی شهرستان بوشهر مشغول خدمت هستم و ایام نوروز امسال نیز مثل سالهای گذشته به جای بودن در کنار خانواده سعی کردم مثل همه مأموران پلیس دراجرای طرح نوروزی حضور داشته باشم.

این پلیس ۳۹ ساله با تشریح نحوه بازگرداندن این کیف میلیاردی به صاحبش، ادامه داد: روز ۹ فروردین ماه به همراه یکی از همکارانم مشغول گشت زنی در پارک سیادت شهر بودیم و با توجه به اینکه مسافران زیادی به این منطقه می‌آیند، با دقت همه نقاط پارک را بررسی می‌کردیم تا اگر اشیایی به جا مانده باشد، آن را به صاحبش بازگردانیم. در میان سبزه‌های پارک متوجه کیف پولی شدم که کنار درختی افتاده بود. داخل کیف تعداد زیادی مدارک شناسایی از جمله گواهینامه و کارت ملی و پایان خدمت و همچنین یک فقره چک به مبلغ ۱۹ میلیارد ریال که پشت‌نویسی شده بود قرار داشت. از آنجایی که این چک پشت نویس شده بود صاحب چک می‌تواند با ارائه آن به بانک چک را نقد کند. در آن لحظات چهره نگران صاحب کیف مقابل چشمانم تداعی شد و می‌دانستم او در جست‌وجوی کیف گمشده‌اش است. از سوی دیگر من پلیس بودم و وظیفه داشتم امانتدار مردم باشم. در آن لحظه اجازه ندادم چیزی جز پیدا کردن صاحب کیف در ذهنم نقش ببندد. بلافاصله از طریق گواهینامه و کارت پایان خدمت مشخصات او را استعلام کردیم اما آدرس یا شماره تماسی از او ثبت نشده بود. پس از ساعتها تلاش سرانجام مشخصات و شماره تماس صاحب کیف را که در کرج زندگی می کرد پیدا کردیم و با منزل آنها تماس گرفتم. صاحب کیف باور نمی‌کرد کیف باارزش او پیدا شده است و بلافاصله به سوی بوشهر حرکت کرد. من کیف را در اختیار فرماندهی قرار دادم و روز بعد وقتی صاحب کیف آمد با ارائه مشخصات آن را گرفت. لبخند و برق خوشحالی چشمان او بهترین هدیه‌ای بود که گرفتم. این چک بابت فروش یک قطعه زمین بود و با پشت‌نویسی کردن آن می‌خواست تا چک را نقد کند اما همراه با مدارک دیگر آن پارک بودیم و آنجا بود که کیف پولم را گم کردم. تا لحظه پیدا شدن کیف اطلاعی نداشتم که چک ۱۹ میلیارد ریالی که بابت فروش زمین گرفته بودم، داخل کیف قرار دارد. از بوشهر به شیراز بازگشتیم و آنجا بود که متوجه گم شدن کیف شدم. مدارک هویتی و شناسایی‌ام را بتازگی گرفته بودم و گم شدن آنها ضربه روحی بدی به من وارد کرد. دوبار مسیر شیراز به بوشهر را جست‌وجو کردیم تا شاید سرنخی از کیف به دست بیاوریم، اما موفق نشدیم. به ناچار به کرج بازگشتم و لحظه‌ای که رسیدم متوجه شدم که مأمور پلیس بوشهر با منزل‌مان تماس گرفته است. بلافاصله به بوشهر بازگشتم. لحظه‌ای که کیف پول را تحویل گرفتم متوجه چک داخل آن شدم. چند روز قبل از آن با پشت‌نویسی چک به بانک رفته بودم اما حساب چک خالی بود و قرار بود تا چند روز دیگر مبلغ چک واریز شود. مأمور وظیفه شناس هیچ درخواستی مبنی بر پاداش مطرح نکرد و با این کار خود درس بزرگی به من داد.

صالح ملائانی صاحب کیف میلیاردی نیز با بیان اینکه رسم امانتداری را این مأمور وظیفه شناس بخوبی انجام داد، گفت: به همراه یکی از دوستانم به اهواز رفته و از آنجا نیز به بوشهر رفتیم. چند ساعتی در

مهربانی به وسعت کویر

پزشک سرشناس ایرانی، زیبایی زندگی را در یاری رساندن به محرومان یافته است

عکس: گروه زندگی

علیرضا نکوبخت

دیدن لبخندهایی که در غبار محرومیت کمرنگ شده، اگرچه دل هر انسانی را به درد می‌آورد، اما زیاد نیستند انسان‌هایی که برای پاک کردن این غبار، آستین همت بالا بزنند و کاری بکنند. برخی از همین انسان‌ها با وجود ایستادن بر قله‌های افتخار علمی و پزشکی کشور، همچنان خود را شاگرد مکتب ایثار و فداکاری می‌دانند. ساخت مدرسه در محروم‌ترین نقطه کشور کاری است که یک پزشک نامی و معتبر در صددش برآمده و به پاسداشت یاد مادرش که به او درس گذشت و انسانیت آموخته، نام او را بر این مدرسه گذاشته است. دیدن تصویر کودکان محرومی که مجبور بودند بر تل ریگ داغ بیابان بنشینند و زیر تیغ آفتاب تند، مشق کنند، تلنگری بود بر **پروفسور بهروز برومند**، پدر نفرولوژی ایران(واز پزشکان سرشناس ایرانی درجهان) که آستین همت بالا بزند و در روستای «جهان تیغ» در منطقه هیرمند سیستان و بلوچستان مدرسه‌ای بنا کند و در عین حال کلنگ مدرسه دیگری را نیز در روستای مجاور به زمین بزند. او معتقد است «شکرانه توان انسان، چیزی نیست جز گرفتن دست ناتوان، و چه زیباست، زمینه تحصیل کودکانی را فراهم کنیم که از داشتن امکانات اولیه تحصیل محرومند.» برومند همچنین در کنار مدرسه‌سازی در سیستان و بلوچستان، زمین بزرگی را نیز در قائمشهر به دانشگاه علوم پزشکی مازندران اهدا کرده تا درمانگاهی در آن ساخته شود و امکانات پزشکی این درمانگاه در خدمت درمان مردم محروم از امکانات قرار بگیرد.

او از روزی گفت که با سفر به سیستان و بلوچستان و حضور در میان دانش آموزان روستای جهان تیغ و روستای «بسم‌الله» محرومیت را با همه وجود لمس کرد. می‌گوید: «۹ ماه قبل وقتی به طور اتفاقی در فضای مجازی مشغول تماشای خبرها و عکس‌ها بودم، با دیدن تصویر چند کودک که در یک منطقه بیابانی روی زمین نشسته و مشغول درس خواندن بودند، کنجکاو شدم. آنها با آجر برای خودشان صندلی درست کرده بودند و محرومیت در چهره معصوم‌شان موج می‌زد. بسیار منقلب شدم. سؤال بزرگی ذهنم را مشغول کرده بود. اگر آنها بتوانند در محیطی مناسب درس بخوانند ممکن است مانند چهار فرزند من پزشک شوند و این آرزویی دست‌یافتنی است. من پزشک هستم و همیشه با مردم، از قشرهای مختلف سروکار دارم و خودم را در برابر آنها مسئول می‌دانم. نمی‌توانستم نسبت به این محرومیت بی‌تفاوت باشم. تصمیم گرفتم برای این کودکان کاری کنم. با پیگیری‌های بسیار متوجه شدم که این عکس‌ها مربوط به منطقه‌ای در کرمان است و این کودکان در خانواده‌ای عشایر زندگی می‌کنند. می‌خواستم با ساخت مدرسه‌ای در آن منطقه زمینه را برای تحصیل بهتر این بچه‌ها فراهم کنم اما با مشورتی که در این زمینه انجام دادم متوجه شدم که ساخت مدرسه در آنجا که ساکنانش عشایر هستند و کوچ می‌کنند، کمک چندانی نمی‌کند.» وی ادامه داد: «در این میان با مؤسسه یاوری که در آن گروهی از خیران در زمینه مدرسه‌سازی در استان محروم سیستان و بلوچستان فعالیت می‌کنند آشنا شدم و آنجا بود که متوجه شدم بسیاری از نقاط این استان از داشتن مدرسه مناسب و امکانات تحصیلی محروم هستند. در بعضی از نقاط نیز مدارس به شکل مخروبه درآمده‌اند و نیاز به تعمیر اساسی دارند. برای شروع کار ساخت مدرسه‌ای با هزینه ۲۰۰ میلیون تومان در روستای جهان تیغ در کنار شهر هیرمند را برعهده گرفتم. روزی که مدرسه برای ۱۴۰ دانش‌آموز این روستا ساخته شد مسئولان آموزش و پرورش از ما برای افتتاح مدرسه دعوت کردند. هیچگاه آن روز را فراموش نمی‌کنم. در این سفر همسرم و دو نفر از دوستانم که دندانپزشک و متخصص قلب هستند مرا همراهی کردند. همه اهالی روستا به استقبال ما آمده بودند و بچه‌ها برای ما شعر می‌خواندند. با شوق زیاد این کودکان را در آغوش کشیدم. آنها کفش و لباس مناسب به تن نداشتند و طعم تلخ محرومیت را با همه وجود چشیده بودند. به یاد مادرم نام او را برای این مدرسه انتخاب کردم و برای بالا بردن انگیزه بچه‌ها قول دادم که به شاگرد اول‌ها جایزه نقدی بدهم. آن روز بهترین روز زندگی‌ام بود. با پیشنهاد مسئولان از مدرسه روستای بسم‌الله بازدید کردیم. وضعیت این مدرسه نامطلوب بود و دیوارهای آن درحال فرو ریختن بودند. تصمیم گرفتم تا کلنگ ساخت مدرسه جدید را در این روستا به زمین بزنم و با تأمین هزینه ۱۵۰ میلیون تومانی از مسئولان محلی خواستم تا هرچه زودتر مدرسه جدیدی احداث کنند. با توضیحاتی که اولیای مدرسه دادند متوجه شدم که بسیاری از دانش آموزان از روستاهای دورافتاده با به خطر انداختن جان خود به این مدرسه می‌آیند. مینی بوس بهترین وسیله‌ای بود که با آن بچه‌ها می‌توانستند به مدرسه رفت و آمد کنند و بلافاصله آن را نیز تهیه کردم. دیدن خوشحالی و فریادهای شادی بچه‌ها بعد از اینکه قول خرید یک دستگاه مینی بوس را به آنها دادم بهترین آهنگی بود که تا به آن روز شنیده بودم. از آنها خواستم با جدیت و پشتکار درس بخوانند و مطمئن باشند که آنها نیز می‌توانند پزشک و جراح شوند.»

برومند درباره در اختیار قرار دادن خانه پدری‌اش که ارزشی بالغ بر چند میلیارد تومان دارد و برای ساخت درمانگاه در قائمشهر اختصاص داده است، گفت: «این خانه را در اختیار دانشگاه علوم پزشکی مازندران قرار دادم تا در آنجا درمانگاهی بسازند و خوشبختانه پیشرفت ساخت این درمانگاه بسیار خوب است و امیدوارم با افتتاح این درمانگاه گام مهمی در جهت درمان بیماران برداشته شود.»

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۲۵۱۱

آسان

۸		۳				۶		۵
	۱		۳		۷		۴	
		۲				۹		
	۹	۸	۷		۶	۴	۵	
	۷	۵	۱		۲	۳	۶	
		۴				۱		
	۸		۶		۹		۳	
۳		۹				۷		۲

متوسط

۲			۵			۷		۹
۱			۹				۴	۶
			۱					
	۳		۷					
		۸	۳	۴	۵	۲		
					۲		۷	
					۹			
۶	۹				۱			۸
۳		۴				۶		۷

سخت

		۴				۸	۵	
	۷			۲		۱		
				۸				۲
					۵			۱
۵			۸		۲			۶
۹			۳					
۱				۹				
		۵		۴			۷	
	۹	۸				۳		